

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (خبل المتین)

(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
ناب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر آقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

کاملین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك مالیانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)
در طهران یکصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری
دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
با امضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

یکشنبه ۱۸ جمادی الاولی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۱ تیر ماه جلالی ۸۲۹ و ۳۰ زوئن ۱۹۰۷ میلادی

حاکمه آصف الدوله و سالار مفخم

(بارعای قوچان پنجشنبه ۱۵)

حضار همان اشخاص سابقه بزیادی سردار افخم
و امیر حسینخان پسر آصف الدوله و شجاع الدوله قوچانی و
میرزا آیدین، امیرالملک، مدیردیوان هژردیوان قوچانی،
وزیر - نواقص کاریست، کدام از اجزاء حاضر نیستند؟
محترم السلطنه راعم خبرکنید حاضر شوند، سردار مفخم
لاریجانی هم بنا بود حاضر شود کسی برود او را بیاورد
(بعد از لحظه سردار مفخم حاضر شد)
وزیر - حالا از کجا شروع شود؟ میرزا محمود
- نوشتجات وزارت خارجه را باید خواند از حضار آنها
را که برای کسب اطلاع خواسته بودید باید از آنها
تحقیق کرد تا اطلاعات خود را شرح بدهند -
(عالی اکبرخان یافتا بادی هم اینموقع حاضر شد)
وزیر - اول از سردار افخم سؤال کنیم - خوب
شما در وقت این قضیه کجا بودید؟

جواب - استرآباد - حاکم بودید؟ - بلی
حاکم بودم - از این واقعه چه اطلاع دارید؟ در اول
حکومت بنده کولان از استرآباد مجزی شد بنده تلگراف
کردم بطهران که علت مجزی کردن کولان چیست
جواب رسید که فعلا صلاح شما در همین است - هفت
ماه بود که استرآباد مشوش بود حاجی سیف الدوله که
حاکم بود عاجز شد فراراً آمد شاه روه شاه مرا احضار
فرمود که باید فوراً با استرآباد بروی اطاعت کردم بلاضلع
دو روز حرکت کرده رفتم شاه روه بعد از ۴ روز رفتم
استرآباد استمدادی هم موجود نبود مگر فوج لاریجانی

که مرخص شدند بعد با استمداد جزئی که عبارت باشد
از ۲۲۰ نفر فوج دودانکه و ۲۲۰ نفر چهار دانکه و
۴۰۰ نفر فوج عرب و عجم با صد و پنجاه سوار ترک و
کرد با خواجه وند - خلاصه بنده با استمداد قلیلی رفتم
آق قلعه سر جعفرای - معایب عمل استرا با دزیر سر
چهار نفر سر کرده است که امیاب اخلال حکومت را
فراهم میکنند اما چون دفعه اول حکومت من بود با من
همراهی کردند رفتم چند نفر اسیر که ترکمان در زمان
اغتشاش از شهر استرآباد برده بودند با چند قبضه تفنگ
پس گرفته مقصراً زنجیر کرده معاودت بشهر کردم
وزیر - خبر این الامان کمی بشما رسید؟ - خیلی
بعد چون سی فرسخ فاصله است - از زمان حرکت بموت
برای غارت چند روز گذشت که شما مسبوق شدید؟ نمیدانم
تخمیناً - نمیدانم باید بگردم کاغذ اکرم الملک را پیدا
کرده از تاریخش بفهمم چون من خبر نداشتیم اکرم الملک
کاغذ بمن نوشته مرا مسبوق کرد -
وزیر - اصل مطلب را بگوئید حاشیه رفتن لازم نیست
این خبر بشما رسید یا نه؟
جواب - بلی بعد از مراجعت از چپاول بتوسط
اکرام الملک وزیر - ترتیبش چه بوده است؟
جواب - اکرم الملک کاغذی نوشت و محمود
آقارا فرستاد نزد من که از اینجا و مراوه تپه نور محمد
قریانلو آمده نزد شیخی و ساتلوق اشار متفرقه جمع
عده باتفاق سوار شادلو رفتند قوچانرا خراب کرده
اسیر زیاد آوردند و در این سوار هم رعیت داخله هم
زعیت خارجه بوده - من باو بیغام دادم بیاید اینخانی را
هم خواستم آمد شهر گفتند باید دولت استمداد بدهد

قشون برداشته برویم سر آنها اسراء را مسترد دارید
از دولت استدعاء کردیم قشون نرسید

وکیلالتجار آصفالدوله اطلاع بحکومت استرآباد
داد - جواب - خیر - از طهران هم حکمی
نرسید ؟ - خیر، وزیر - کولان را برای یاغی گری
دادند بسالار یا استدعاء کرد و تقدیمی یا خواهش در
کار بود ؟

جواب - یاغی نبودند سالار خواهش کرد باو
دادند وزیر - سپه سالار مرحوم اینکار را کرد ؟ -
بلی خدا او را بیامزد !!

وزیر - بعد از انتشار اینواقعه و حکم عینالدوله
بسالارکه اسراء را مسترد دارد شما چه اطلاع دارید سالار
چه کرده ؟

جواب - فاصله زیاد است پاره ارا چیف شنیدم
که سالار مخم باسپه سوار برای گرفتن مالیات آمده
بود کولان که باید سر امام جمعه راکه
محل و شوق طایفه است ببرد انهم جمعیت جمع
کرد و نزاع شد سالار عقب نشست بمن
تلگرافی کرد جواب دادم من لوگرم هرطور بمن حکم
بشود اطاعت خواهم کرد بعد معلوم شد بتوسط عونالمالك
رئیس کمیسیون اینکار را اصلاح کردند -

وزیر - عونالمالك چه طور اصلاح کرد ؟

جواب - رفت نزد امام جمعه قسم خورد اطمینان
داد چند نفر سرکرده ها را برداشت برد سالار و سالار هم
انها را حبس کرد -

عدالت السلطنه - عنوان دیگری غیر از گرفتن
مالیات درین نبود -

جواب - خیر همان صحبت مالیات بود -

وزیر - از کدخدای تفصیل امام جمعه را جویا شوید
کدخدا علی - فاصله زیاد است اطلاعی ندارم
وزیر - علی اکبرخان توانجا ماموریت داشتی ؟
جواب - بلی -

وزیر - برای چه کار ؟

جواب - برای استرداد اسراء که سالار مخم
یایس بگیرد یا بخرد صدر اعظم مرا مامور کرد بروم
بجنورد بمنام تا استدعاء فرام کند -

وزیر - برای مالیات بود ؟

جواب - خیر برای استرداد اسراء بود حکایت
مالیات نبود رفت و شکست خورد مراجعت کرد

وزیر - درموقع حرکت سالار توحاضر بودی ؟
جواب - خیر دهمه اول رشید نظام بود دهمه دوم
که من بودم رفت توانست خود را بخشم برساند بعد
از دوازده روز اقامت تلگرافی کردم ب صدر اعظم که دوست

قر صاحبان اسراء حاضر و اسراء خود را میخواهند
تکلیف چیست جواب آمد سالار را بردار یا اور طهران
من بسختی او را آوردم جا جرم که یکمترلی است
شبانه از انجا فرار کرد آمد طهران من هم از عقب آمد
وزیر - سالار از آمدن تخاصی داشت یانه ؟ جواب -

خیر - پس چرا سخت گرفتی ؟ - مهلت از من
میخواست - تحقیقاتیکه شما تردید در کجا بود ؟ - در
عرض راه بعضی این واقعه را از راه دشمنی میدانستند
و بعضی بتحریر سالار میگفتند - از کدام راه سوار آمد
قوچان ؟ - از سمرقان آمد بجنورد و از آنجا بقوچان
چند منزل است ؟ - سه منزل تا سمرقان و سه منزل تا
قوچان - نان و آب نعل و میخ که بانها میداد ؟ -
بعضی میگفتند سالار و بعضی میگفتند از راه دشمنی
بوده ؟ - بمحل اسراء رفتی ؟ - خیر مامور نبودم -

بقد لیش سوار رفته بود ؟ - نمیدانم همینقدر شنیدم
ب سمرقان آمدند و سالار شکایت از آصف الدوله میکرد که
او را منتهم میکند - از روی تحقیقات خود شما از بجنورد
سوار رفته ؟ - بلی جمعیشان هم ۲۰۰ نفر بوده است -
آذوقه از کجا گرفته اند ؟ چنانکه شنیدم از بجنورد گرفته اند -
چند روز رفت و آمد يموت طول کشید ؟ - نمیدانم -
بجبر غذا و آذوقه بانها داده اند یا بعیل ؟ - اسم جبری
نشنیدم - چشم هم برده اند ؟ - خیر خانه و اسباب
بردند نه کاو و چشم - خود قوچانیها هم تصدیق کردند
که چشم نبرده اند پول و اسباب و اسیر برده اند -
وکیلالتجار - قبل از تلگرافات مشهردکسی بشما (سالار)
خبر واقعه را بداد ؟

سالار - رعایا خبر ندادند لکن خبر به بجنورد
رسید بمن گفتند - قراول دارید ؟ - بلی - بشما
انها تکفتند ؟ - خیر -

وزیر (خطاب بمأمور) انها که میگفتند سالار کرده
زیاد تر بودند یا انها که میگفتند نکرده ؟
جواب - انها که میگفتند سالار کرده (بقیه دارد)

دو کلمه حقیقت

متبیین چه میگویند - میگویند چهار مطلب
مخبروایم - تحویل سلطنت از فامیل قاجاریه - تخریب
مجلس شوری ملی - ترویج مذاهب باطله - تعطیل احکام
اسلام ؟ غرض از این چهار مطلب چیست - تسلیم مملکت
بدول اجانب و بیگانگان ؟ بچه لسان - بلسان عوام
فریبی - بچه بیان - اولاً به بیان آنکه مجلس شوری ملی
بدعت است و هر بدعتی ضلالت - جواب (و شاور هم ملی
الامر و امر هم شوری بینهم) را چه میگویند - میگویند
قران، لفر و ممی است علم قران بیش مالست هر چه ما

میگوئیم باید تقلید کنند - ثانیاً به بیان آنکه ایران مملکتی بود که هرکس بکار خویش مشغول و کاری بکار دیگری نداشت فعلاً تمام ملت دست از کار کشیده آزادی اموال و نفوس و اعراض و ناموس خود را مطالبه میکنند و این سبب هرج و مرج مملکت شده ؟ جواب (الناس مساطون علی اموالهم و انفسهم) را چه میدهند - میگویند اهل عام و طلاب مغزوی که در گوشه مدارس تدریس میکنند و سایر طبقات مردم اینگونه از اخبار محکمه را نمیفهمند ؟ چه دلیل - بدلیل آنکه معنی این نوع از اخبار از اسرار خفیه است و بمسائله بسینه رسیده است هر چه میگوئیم باید تبعید قبول کنند - ثالثاً به بیان آنکه آزادی روزنامهجات موجب انتشار خیانات و نشر معارف و سیاسات است و سبب بیداری ملت خواب و هوشیاری قوم جاهل است ملت و قبی حقوق نوعی و شخصی اسلامی خود را فهمیدند لاعلاج امتیاز دنیائی و فضلی خواهند داد و ما را خانه نشین خواهند نمود و اباس ریاست را لایب از بر ما بیرون خواهند ساخت ما خواهیم گذاشت ؟ جواب (ان اکرمکم عند الله اتقیکم هل یتوی الذین یعلون و الذین لایعلون) را چه خواهند گفت - میگویند معنی این دو آیه بزرگی جسم و داشتن خر و نوکر و قاطر و اسب و خانه و میل و کالسکه و درشکه و بارک و تیول و اشاعه ظلم و فسوق و فواحش است و مساهم بدین شرافت نایل پس کسرا نمیرسد که لباس بزرگی را از بر ما بر کند و ما را خانه نشین نماید - رابعاً به بیان آنکه زبان ملت در بیدار کردن مردم آزاد شده انجمن ها تشکیل میکنند مطالب سیاسی و دولتی و ملتی میگویند اعلاء کلمه حق اسلام (فاعاد لو هو اقرب للنتوی) میکنند اینگونه مطالب از آثار مجلس شورای ملی است البته باید دعای انسانیت تبعید شوند ؟ جواب (و امر بالمعروف و انه عن المنکر) را چه میدهند - میگویند و اسلاما کار اسلام بجائی رسیده است که این ملت جاهل آیات سماوی را بر ما استشهاد میکنند با آنکه اینگونه از آیات از آیات منسوخه است ؟ فائده این کلمات برای مستبدین چیست - گرفتن مال و خوردن خون مسلمین ؟ ملت مشروطه خواه چه میگویند - میگویند ما چهار امر میخواهیم بقاء سلطنت در فامیل قاجاریه تقویه مجلس شورای ملی ابطال مذاهب باطله ترویج اسلام ؟ غرض از این چهار مطلب چیست - حفظ مملکت از تظاول اجانب سر بلندی پیش جمیع دول در دنیا سرافرازی ملت اسلام پیش جمیع ملل در آخره ؟ دوام و ثبات سلطنت را در فامیل قاجاریه از کجا ملت ضمانتند - بحکم مشروطیه ضمانت بودن مشروطیه از کجا - بحکم یکی از فصول قانون اساسی ؟ اعتبار قانون اساسی از

کجا است - از امضاء و کلاء - و کلاء از کجا صاحب اعتبارند ؟ از نمایندگی ملت ؟ تقویه مجلس شورای ملی از چه میشود - بچند امر ؟ آن چند امر کدام است - اتحاد و اتفاق اظهار مخالفت و نفاق علم و معرفه ؟ اتفاق در چه لازم است - در اجراء مقاصد هیئت و کلاء ملت ؟ اظهار نفاق چه ربط بقویه مجلس دارد - مراد اظهار نفاق مستبدین است چه هر چه اظهار نفاق و شقاق از ایشان بیشتر اشتداد میکند اظهار اتفاق و اتحاد و نفاق ملت بیشتر خواهد بود مثل مستبدین مثل کرم ابریشم است هر چه بیشتر بر خود به تنند بر افتاء خود بکوشند و بر ثروت مملکت بیفزایند ؟ علم و معرفه از کجا تقویه مجلس نماید - بدیهی است که علم و معرفه اساس قومیه را محکم کرد و بنیان المسائیت را استوار نماید و از اینجهت ساین اول عالم بشریت ملت و انباء روحانی خود را بلسان (اطلبو العلم و لو بالنعین) دعوت فرمود و بعد از این بیان محتاج بتوضیح تقویه معرفت اساس و ارکان مجلس شورای ملی را نخواهد بود ؟ ابطال مذاهب باطله از کجا خواهد شد - از ترویج اسلام ؟ راه ترویج اسلام کدام است باجاء قانون (احکام اسلام) در مملکت و امتیاز خبیث از طبیب و عالم از جاهل و امانیه جانی و مالی که تمام از آثار حسنه مجلس شورای ملی است و ثمره شجره پارلمان ایران انهم قویبنانها و شدید ارکانها و اقل مخربها و ابق محییها بمحمد وآله

(اقل اهل العلم محمد علی الطهرانی)

(شورش)

روز جمعه ۱۴ طرف عصر فوج ششم تبریزی ابوابجمعی میر نظام سر بشورش بر آورد (شورش در هرجا ذکر میشود طغیان مقصود است ولی در ایران مقصود از این کلمه مطالبه حقوق است) حرف این فوج آنستکه جیره و مواجب یکساله آنها در عهده تمویق افتاده دینساری بانها نداده اند این بیچارها کویا دو سال است در طهرانند پائیز گذشته باید فوج هفتم عوض آنها آمده اینها مرخص شوند از قرار مذکور امیر نظام مبلغ ده هزار تومان از آنها گرفته معافی داشته است و این فقراء را نگاه داشته اینک یکماه است که تفنگ و فشنگ شانرا گرفته که مرخص نمایند اما جیره و مواجب شانرا نمیدهد سال گذشته شاه مرحوم بانصد تومان انعام داده اند که بفوج تقسیم شود سردارشان خورده بولی بانها نداده است دیروز جناب حاجی محمد اسمعیل آقا و حاجی امین الضرب فوج را ساکت نموده وعده امروز را داده اند که حقوقشان را بپردازند تا چه شود کویا از بانک ملی برداخته خواهد شد خوب است و کلاء بصیرتی باحوال سردارها نیز پیدا کنند و همه قصیرا منحصر بشخص وزیر جنگ نمایند

(مکتوب از رشت)

ما تا بحال بخود بشارتها میدادیم که حمدالله دولت مستقلة و مستبده مشروطه عادلہ شده است می بینیم زمان استبداد با زمان مشروطه هیچ فرقی نکرده باز هم زبان آزاد نیست جراید آزاد نیست بجاه روزنامه یا زیاده تر در ایران طبع و توزیع میشود تمام هم باسم آزاد و مطابق نام برده شده ولی گویا مراد لفظ آزادیست نه معنی یا آزادی دل بخواه . بتمام حواس و چشم برای پست مقررہ دولتی داریم که بعد از ورود در روزنامه ها چه بشارتی دارد یا تعلیم تجارتنی یا ارائه فلاحتی یا رفع مذلتی هر چه ورق میزنیم و بدقت ملاحظه میکنیم می بینیم مکتوب فلان الملك یا فلان الدوله که تماماً مزخرفی است و یا آمیخته بمرض و مرض و یا جلب نفع شخصی یا حکایت تفریح و تفریح است یا تفصیل مهمانی فلان اعیان است در کمال افسردگی و انزجار طبع متعهد میشویم دیگر روزنامه نخوانیم چه قدر مکتوب عام المنفعه بجهت فلان اداره و بهمان روزنامه از رشت داده شد ابدأ یکی درج نشده است بعضی عذرشان اینست که مکتوب بی معنا و بدون معرفی بداره رسیده

ای بیچارها شما سوراخ دعا را گم کرده اید اگر مکتوب عام المنفعه است چرا از در حبش مضایقه مینمائید و الا بالمضاء صحیح هم قابل اعتنا نیست

باید گفت شجره خبیثه رشوه قطع نشده با ملاحظه در کار است یا تمیز در بین نیست آخر ای مدیران جراید شما زبان ملت هستید چرا خواموش نشسته اید شماره نمای سعادت هستید چرا ساکت مانده اید تا کی ملاحظه رجال دولت را می نمائید مگر اینها نبودند که ثروت ما را گرفته خرج بسارک و مستقالات و منزلهای رفیعه نمودند مگر اینها نبودند از ظلم تعدی هر چه توانستند در باره ما کوتاهی نکردند وطن ما را با جانان فروختند و هر اجنبی را بر ما مسلط ساختند سلطان سعید ما را مفروض و مدقوق و غصه کشش نمودند و خواهر های وطن ما را بترگمان فروختند و ناموس دولت و ملت را بیاد دادند هنوز هم دست از سر ما بر نمیدارند هر پریشانی و ذات که از آن بالاتر تصور نشود برقی العین بر سر ما آوردند غرض اینست باید روزنامه نویس آزادانه قلم بزنند و مطالب مهمه لازم را بنویسند و در نشر آن مسامحه نکند

(تلکرافات خارجه)

وضع اغتشاش جنوبی فرانسه تقریباً شبیه بشورش وطنیان بزرگی است دولت عزم جزم نموده که دستجات نظامی محال مزبور را که تعدد کرده بودند احضار و از قشون توأحی شمال و مشرق عوض آنها مأمور نمایند

(طبران - مطبوعه « فاروس »)

مأمورین حلی را بقم میر همراهی محرکین اغتشاش مجازات دهند فوج خدم که چندی قبل شوریده بودند باردوی نظامی لارزاک فرستاده شدند در انجائیز بسبب آنکه بعضی از رؤسای آنها توقیف شده و رهائی نیافته اند مجدداً شورش کرده و اردو را غارت کرده و خسارت زده و بمصاحب منصبان حمله برده اند .

گرفتاری ۱۶ نفر اجزای دوما را که متهم اند صدر اعظم دولت روس خواستار شده بود فقط ۹ نفرشان گرفتار و دستگیر و اسیر حبس مأمورین دولت شده اند منجمله سیو ازل است که پیشوای فرقه از فرق دوما بوده

عملجات معطله معادن افریقای جنوبی مرتکب تعدیات متواتره شده اند چنانچه جمعی از همکارانشان که در مسئله تعطیل موافقت با آنها نکرده اند ضدمات و اطمات زیاد زده اند خانه یکی از رؤسای آنها را بادینامیت خراب و خودش را تلف نموده اند و بعضی را هدف تیر و رولور نموده گویا دستگیر کرده و بقصد کشتن زده اند

در کلیه مملکت فرانسه اظهار هم دردی و دلسوزی بجهت صدمات وارده بر اهالی جنوب مشاهده میشود ولی رأیشان بر آنست که این شورش و انقلاب رفع کساد بازار شراب آنها را که باعث این تشکیات و انقلابات است نمی کند و نخواهد کرد

جناب رو سوک رئیس جمهوری امریکا مجلس ملی اتارونی چنین توصیه فرمودند که بهتر است که دولت امریکا دولت چین را از ادای دعاوی و وجوهیکه دولت امریکا در تقابل خسارات وارده در شورش بکسرها مطالبه مینماید (شورش بکسرها همان قضیه بزرگی است که شش هفت سال قبل واقع و دولت چین محصور دول اروپ گردید و بالاخره قرار شد دولت چین از عهده غرامت و خسارت لشکر کشی دول اروپ برآید) تا حدی نجات دهند یعنی باستانی یازده میلیون دلاری را که دولت امریکا بجهت لشکر کشی و غیره بمصرف رسانیده و شش میلیون آن تا بحال برداشته شده است از بقیه دعاوی صرفی نظر نمایند

در کیف (شهر روسیه) بانصد نفر از عساکر دولتی روس عاصی شده ولی فوراً از آنها جلو گیری شد و رفع هائله گردید بین قشون دولتی و سربازان یاغیه شلیک رده و بدل شد در این بین یک نفر کاپیتان و ۶۳ نفر دیگر نیز مقتول و مجروح گردیدند

(اعلان)

خیابان دروازه گمرک باغ جناب آقای معاون السلطنه که مشتمل بر بیرونی و اندرونی و حمام سر خانه است بافتضای وقت و مکان اجاره داده میشود هر که طالب باشد بگماشته معزی ایبه رجوع نماید

حسن العسینی الکاشانی